

پروفیسر سید محمد حسین علی شاہ

پہلی بار شائع

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

۱۹۸۲ء

خدا پرانا تشبہ جزیرہ

۱۹۸۲ء
نشر نگاه معاصر

توفیق فہد

ترجمہ

سید محمد حسین مرعشی

فهرست

۹	□ مقدمه مترجم
۱۱	□ مقدمه نویسنده
۱۳	فصل نخست: بینش مذهبی اعراب باستان
۱۳	ویژگی شبه جزمی
۱۴	ویژگی نهادی
۱۵	زنده به گور کردن دختران
۱۶	آتش های مقدس
۱۶	آتش مُردَلَفِه
۱۶	آتشِ طلبِ باران
۱۸	آتش از خود راندن
۱۸	آتش جنگ و آتش فدیه
۱۹	آتش پیمان
۱۹	آتش خیانت
۱۹	آتش های دیگر
۱۹	آتش دو حَرّه
۲۰	آتشِ موافقت
۲۰	ویژگی اختری
۲۳	پرستش بتیل ها و درختان مقدس
۲۶	از بتیل تا بت
۴۱	فصل دوم: مجموعه خدایان عربستان مرکزی
۴۱	پیشینه پژوهش
۴۱	فهرست نام خدایان

۴۱	عَبَّعْتُ
۴۳	عائِم
۴۳	الله
۴۴	عَمَّ
۴۴	عَمَّ آنَس
۴۵	أَشْهَل
۴۵	أَشْحَم
۴۵	الاسود
۴۵	عَثْر
۴۶	أوال
۴۶	عَوْض
۴۶	عَوْف
۴۷	أَزْر
۴۷	عَزِيز
۴۷	باجِر
۴۷	بَجَّه
۴۸	بَعِیم
۴۸	بِیخ (بِیخ)
۴۸	بَعْل
۵۰	بُهَار
۵۰	بوانه
۵۰	صَمَاد
۵۰	ذاریح
۵۱	ذات انواط
۵۱	دَوَّار
۵۲	صَمِزَن
۵۲	صَمِزَنَن
۵۲	ذوالخَلَصه
۵۶	ذوالکَعْبَات
۵۶	ذوالکَفَّین (ذوالکَفَّین)
۵۶	ذواللَّبه
۵۷	دُمیه
۵۷	ذوالشَری

۵۸	فَلَس
۶۰	فَرَّاص
۶۰	جَدَّ
۶۲	جَلَسَد
۶۳	عَنَم
۶۴	غرانیق
۶۵	جَرِیش
۶۵	غَرِیان
۶۷	چهار
۶۷	حَلال
۶۷	هُبَل
۷۰	حُمَام
۷۱	إساف و نائله
۷۳	کَثری
۷۳	کَعِیب
۷۴	کَلال
۷۴	لَات
۷۸	مَدان
۷۹	مَهَن
۷۹	مَناف
۷۹	مَنات
۸۱	مَرْحَب
۸۲	مَحْرَق
۸۳	مُنطَبِق
۸۳	نَسْر
۸۴	نَصْر
۸۴	نُهَم
۸۵	قَیس
۸۶	قَرَح
۸۷	رحمان
۸۷	رِثام
۸۸	رُضا
۸۹	سَبَد

۹۰	سَعْد
۹۱	شَمْس
۹۳	شَبِيع الْقَوْم
۹۳	سُوَاع
۹۴	تَيْم
۹۵	أَقْبِصِر
۹۷	عُزَى
۱۰۵	وَدَّ
۱۰۸	يَعْفُوث
۱۰۹	يَعُوْق
۱۱۱	يَالِيْل
۱۱۱	زَوْن

۱۷۷	فصل سوم: حرم‌های عربستان مرکزی
۱۷۷	بُش
۱۷۷	دَوَار
۱۷۷	كَعْبَه
۱۹۱	رَب

۲۱۳	پی‌گفتار
۲۲۱	نشانه‌ها و اختصارات
۲۲۳	علائم اختصاری
۲۲۵	کتابنامه
۲۳۳	نمایه

مقدمه مترجم

شاید نخستین و تنها متنی که در آن واژه عرب بر همه اعراب چه شهرنشین و چه بادیه‌نشین اطلاق شده و زبان ایشان عربی خوانده شده است قرآن باشد.

اعراب اما به معنی بیابانگرد آمده است. به گفته مارگولیوٹ نخستین و کهن‌ترین متنی که در آن واژه عرب به کار رفته متنی آشوری است از روزگار شلمنسر پادشاه آشور. اما در آن دسته از سنگ‌نگاشته‌های جاهلی که خاورشناسان آنها را «عربی شمالی» می‌خوانند نام عرب نیامده است، بجز یک متن که همان متن پرآوازه امرؤالقیس بن عمرو است: «امرؤالقیس پسر عمرو پادشاه همه عرب» به تاریخ ۳۲۸ میلادی.

واژه عرب برای آشوریان به معنای گونه‌ای بیابان‌نشین در آن سوی مرزها بوده که امیری بر آنها فرمان می‌راند است که به او «جندیبو» می‌گفتند.

رومیان عرب‌ها را ساراسنوس و یونانیان آنها را ساراسنی^۱ (= برده ساره) می‌خواندند که اشاره‌ای طعنه‌آمیز به هاجر کنیز ساره دارد.

پی‌نوشت

1. Saraceni

مقدمه نویسنده

تحقیقاتی که موضوع این اثر را تشکیل می‌دهند در محدوده پژوهش ما در زمینه پیشگویی و کهنات در میان اعراب است. نتایج این تحقیقات، تحت عنوان «پیشگویی و کهنات عربی، بررسی‌های مذهبی، جامعه‌شناختی و فرهنگ قومی در مورد خاستگاه اسلام»^۱ در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسید.

هنگام به پایان رساندن فصل سوم که به خادمان آیین و کهنات مربوط می‌شد ابهاماتی در زمینه شخصیت کاهنان ملاحظه شد. مستندات مربوط به آنان در روایات و اخبار اسلامی^۲ (سنت) وجود دارد. اما از زمینه واقعی خود که زمینه کهن سامی است بسیار دور افتاده است. به عقیده ما با شناختن مفاهیم مذهبی مربوط به موضوع، می‌توان محیط واقعی و اوصاف خدایان مورد پرستش کاهنان و حرم‌هایی را که آنها به عنوان خادم در آنجا مشغول بودند به درستی بازشناخت. این سه نظرگاه نسبت به زندگی مذهبی و اجتماعی آنان می‌تواند دریچه‌ای تازه بر اعتقادات و اصول عقاید این افراد بگشاید و به ما توانایی این تشخیص را بدهد که درجه تعالی روحانی و صداقت مذهبی آنها را دریابیم.

این بررسی‌ها از محدوده اصلی کار ما که عمدتاً در زمینه کهنات عربی بود فراتر می‌رفت. از این رو با توصیه‌های ارزشمند آقای شارل پلات^۳ که سپاسگزار درک خوب و کمک‌های ایشان هستیم، این سه فصل از مجموعه را از یکدیگر جدا کردیم تا یکدستی و هماهنگی نظریات خود را همچنان حفظ کنیم. در ضمن انتشار آن را نیز آسان‌تر ساخته باشیم.

عنوان این بررسی‌ها نشان می‌دهد که موضوع اصلی آن، مجموعه خدایان عرب در آستانه هجرت است. فصل اول، مقدمه دو فصل دیگر و فصل سوم، پی‌گفتار فصل پیشین است.

از آن هنگام که تب «بابل‌گرایی افراطی»^۴ به دلیل افراط‌هایش، توجه پژوهندگان را از بررسی روابط میان مذاهب عربی و مذاهب بین‌النهرین منحرف گرداند، هیچ حرکتی برای استفاده از تحقیقات باستان‌شناختی جهت وضوح بخشیدن به چهره خدایان باستانی عربستان پیش از اسلام، انجام نپذیرفته است.

از این رو هنگام برخورد با این حوزه پژوهشی، اندکی بیم و تردید داشتیم. اما آن را با قرار گرفتن بر سر این دوراهی کنار نهادیم: یا باید تحقیقاتی در زمینه مذاهب عرب پیش از اسلام صورت می‌گرفت و آن را از بن بست ۵۰ ساله خود بیرون می‌کشید، یا از آن قطع امید می‌شد و برای همیشه به فراموشی سپرده می‌شد. در این پژوهش، در بسیاری از قیاس‌ها، همان‌طور که خوانندگان نیز ملاحظه خواهند کرد نسبت به

ورطه زمانی موجود در میان واقعیت‌های مورد قیاس، خویشتنداری نشان نمی‌دهیم. ورطه‌ای که از رویارویی با آن دچار هراس می‌شویم، اما پیش از عمق‌یابی مسأله پاپس نمی‌گذاریم و بر این باوریم که در این طرز تفکر، ما همان قدر سهیم هستیم که پژوهش‌های آتی برای یافتن همه یا قسمتی از حلقه‌های مفقوده، سهم خواهند داشت.

ما در عصر افراط در تخصص، زندگی می‌کنیم. تخصصی که مسلماً سبب ژرف‌نگری شناخت شاخه‌های گوناگون فرهنگ سامی می‌شود و قطعاً به دسته‌بندی‌های افراطی و تقسیم‌بندی‌های نفوذناپذیرتر در میان اجزای مختلف این فرهنگ منجر خواهد شد آن هم به بهانه‌هایی که بیشتر ناشی از محدوده‌های شناختی است نه از انتظارات ما.

امیدواریم پس از این دوره تخصصی شدن، دوره درهم‌آمیزی مجموعه نتایج به دست آمده در قلمرو باستان‌شناسی و لغت‌شناسی سامی فرارسد تا وحدت تفکر در این فضای فرهنگی از خلال شیوه‌های مختلف بیان آن آشکار گردد. و نیز تفاوت میان این شیوه‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد.

اگر شهامت ما در گشودن این چشم‌انداز به راه یافتن پژوهندگان در چنین طریق یاری رساند ما به هدف مطلوب خود دست یافته‌ایم و پاداش جسارت خود را دریافت کرده‌ایم.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم که مؤسسه فرانسوی باستان‌شناسی بیروت و مدیر آن دانیل شلومبرگر^۵ که به ما افتخار دادند و این اثر را در کتابخانه باستان‌شناسی و تاریخی بیروت به چاپ رساندند تشکر کنم.

توفیق فهد
استراسبورگ

پی‌نوشت‌ها

1. *La Divination Arabe. Études religieuses, sociologiques et folkloriques sur le milieu natif de l'Islam.*
2. tradition arabo-musulmane.
3. Charles Pellat
4. Panbabylonisme
5. Daniel Schlumberger

فصلی فی الحسب

بینش مذهبی اعراب باستان

در این طرح کلی و خلاصه^۱، چهار نکته را مورد توجه قرار داده‌ایم که اهمیت آنها بر همگان آشکار است. این نکات عبارتند از: ویژگی شبه جزمی ادیان عربی، ویژگی نهادی آنها، برتری ویژگی اختری و پرستش سنگ‌ها و درختان مقدس.

ویژگی شبه جزمی

۱. همانند همه ادیان باستانی، ادیان شبه جزیره، از جزمیات به وجود نیامد بلکه به طور کامل از نهادها و احکام ایجاد گردید.^۲ اما تاریخ‌نگاران ادیان در اسلام به پیروی از ساختار اندیشه الهی خود کوشیدند مفاهیم مذهبی اعراب باستان را به شکلی جزمی^۳ نظام بخشند. از این قرار به گفته شهرستانی^۴ به نقل از مسعودی^۵، اعراب به دو گروه «مُعَطَّلَه» و «مُحَصَّلَه»^۶ تقسیم می‌شدند، در میان معطله برخی وجود آفریدگار، معاد جسمانی و زندگی اخروی را انکار می‌کردند و اعتقاد داشتند که طبیعت زندگی می‌بخشد و زمان، معدوم می‌کند.^۷ به عقیده آنها، زندگی، طبایع محسوس را با یکدیگر می‌آمیزد و مرگ آنها را از یکدیگر می‌گسلد. برخی دیگر از مُعَطَّلَه به وجود آفریدگار و به نوعی زندگی اخروی معتقد بودند اما منکر معاد جسمانی و زندگی اخروی بودند. گروه دیگری به آفریدگار و گونه‌ای زندگی اخروی اعتقاد داشتند اما منکر رسالت پیامبران بودند و بت‌ها را که نزد خداوند شفیع می‌دانستند می‌پرستیدند.

در میان کسانی که منکر معاد جسمانی بودند برخی به تناسخ عقیده داشتند، تناسخ به این معنی که پس از مرگ، به ویژه پس از مرگی سخت، از خون، مغز و از قسمت‌های دیگر بدن پرنده‌ای پدیدار می‌شود که هاله نام دارد، این پرنده هر سه سال یک بار به محل خاکسپاری جسد باز می‌گردد.^۸ در میان کسانی که امکان فرستادن پیامبران را به شخصه انکار می‌کردند برخی به فرشتگان معتقد بودند... تا بدان حد که آنها را می‌پرستیدند.